



انترناسیونال ۴۹۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۲ فروردین ۱۳۹۲، ۲۲ مارس ۲۰۱۳ - ۱۶ صفحه



پیام تبریک حمید تقوائی به مناسبت نوروز

فرارسیدن نوروز و آغاز سال تازه را به همه مردم آزاده ایران تبریک میگویم.

فرارسیدن نوروز و آغاز سال تازه را به همه مردم آزاده ایران تبریک میگویم. انصارشان، بیت رهبری و باندهای مافیائی بسیج و سپاه و دیگر سرمایه داران دولتی و غیر دولتی که بر تمام منابع ثروت جامعه جنگ انداخته اند بر سر تقسیم غنائم، بر سر سهم ببری بیشتر از ثروت و قدرت، بجان هم افتاده اند و هر روز ارقام نجومی تازه ای از

اختلاس و دزدی یکدیگر و عمق فساد که سراپای رژیم را فراگرفته است برملا میکنند. از سوی دیگر گرانی و بیکاری و فقر در جامعه بیداد میکند و زندگی توده مردم را بیش از پیش در ادامه صفحه ۷

نوروز مال شاهان نیست!

مصطفی صابر

"فرانچسکوی اول" سر نرینه اعظم

شهاب بهرامی

ادامه تجاوز و حمله به زنان در هند

برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان باید حرمت و هویت انسانی را به زنان بازگرداند

فرح صبری



جنبش علیه اعدام باید گسترده تر شود!

بیشترین اعدامها در ایران در سال ۲۰۱۲ نسبت به ۱۵ سال گذشته

سوریه

دوسال بعد از آغاز انقلاب!

محمد شکوهی



دستگیری وسیع پناهجویان در سوئد و بالا گرفتن اعتراضات

مردمی در دفاع
از حق پناهندگی

مصاحبه حسن صالحی با
عبدالله اسدی
دبیر فدراسیون سراسری
پناهندگان ایرانی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نوروز مال شاهان نیست!



مصطفی صابر

پریروز بعد از مدت‌ها با دوست عزیزم که "سلطنت طلب" است چاق سلامتی می‌کردیم. پیشاپیش نوروز را به او تبریک گفتیم. او هم گرم عید مبارکی کرد، ولی ابتدا به شوخی و نیشدار گفت: "باشه، به کوروش میگم!"... او طبق معمول داشت به من بعنوان کمونیست طعنه میزد. از این شوخی‌ها بین او و من معمول است. من هم خیلی وقتها او را بعنوان "راست" و "سلطنت طلب" دست می‌اندازم. یک جور "دیالوگ متمدانه" بین ما به سبک ایرانی، پر از طعنه، پر از خنده، نیمه شوخی و نیمه جدی! او اینبار در واقع میخواست بگوید: "آخر تو کمونیست را چه به نوروز، این موضوعی مربوط به کوروش و شاهان و سلطنت طلب‌ها است که تو با آنها مخالفی...!"

پریروز فرصت نشد تا سر این موضوع با دوست عزیزم بقول جوانها قدری "کل کل" کنیم. چرا که موضوعات جذاب دیگری در دستور بود... اما بعد فکر کردم پوینت سیاسی نهفته در این شوخی دوستم حائز اهمیت است. بخصوص اینروزهای نوروزی حتی برجسته تر میشود و باید به آن پرداخت. پس شاید بد نباشد که جهت اطلاع دوست عزیزم و همفکران او، و احیانا دیگرانی که به این بحث علاقمند هستند، نکاتی را یادآور شوم.

در پس آن شوخی در واقع بحث جدی رابطه فرهنگ با ناسیونالیسم خوابیده است.

ناسیونالیسم بطور کلی، و از جمله ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی (که سلطنت طلب‌ها نماینده سنتی آن هستند) بطور اخص، طوری راجع به عناصر و سنن فرهنگی، مثلا نوروز، صحبت میکند که گویی ملک طلق شان است. حال آنکه فرهنگ موضوعی کاملا متفاوت از ناسیونالیسم است. فرهنگ مساله بسیار دیرپاتر است و ناسیونالیسم امری متاخر و همزاد دوره عروج و حاکمیت بورژوازی و سرمایه داری است. کمونیست‌ها قطعاً مخالف ناسیونالیسم و تعصبات ناشی از آنند. آنرا همچون مذهب نوعی آگاهی وارونه، نوعی خرافه و یک منشاء کشت و کشتار تفرقه بین بشر و خلاصه فاجعه‌ای میدانند که باید از آن‌ها شد. اما فرهنگ عمدتاً ساخته و پرداخته توده‌های عظیم مردم در روند‌های تاریخی طولانی است و اغلب عناصر بسیار زیبا و عمیقاً انسانی در فرهنگ هست که باید از زیر دست و پای ناسیونالیسم (و همینطور مذهب و کلا منافع طبقات حاکم) بیرون کشید.

عناصر زیبایی که ریشه در بنیادی‌ترین نیازهای بشری دارد؛ مثل خوردن، خندیدن، رقصیدن، عشق ورزیدن، بازی کردن، آواز دسته جمعی خواندن، دیدار تازه کردن، دوست جدید پیدا کردن و غیره و غیره که عمرشان به اندازه جوامع بشری است. همواره با ما خواهند بود و با تحول بشر البته تغییر و اعتلاء خواهند یافت.

در واقع یک نقطه قوت تعیین کننده مذهب و ناسیونالیسم بعنوان ایدئولوژی سیاسی، همانا این است که خود را با رفتارها و عناصر بنیادی فرهنگی مثل پخت و پز کردن و خوردن دسته جمعی، دورهم جمع شدن، گرامی‌داشت سال نو و یا مراسم تولد و مرگ و غیره پیوند میزند.

شما خوراک‌ها را از مراسم و سنت‌های مذهبی حذف کنید نصف تاثیر و جذبه و نفوذ مناسک مربوطه از بین رفته است. حس کارناوال داشتن و حرکات مکرر و جمعی، هم آوایی و ایجاد روح جمعی را از اعیاد و رسوم مذهبی بیرون بیاورید دیگر چندان چیزی از آن باقی نمی‌ماند. برای مثال این اسلام و مذهب شیعه، و یا دعوای معاویه و حسین بر سر خلافت و بخور و بجاپ "بیت المال"، نیست که عاشورا را به وجود آورده است. بلکه عاشورا چنانکه می‌گویند ریشه در سنت قدیمی تر "سوگ سیاوشان" دارد که در واقع نوعی کارناوال و مناسک دسته جمعی است که خیلی قبل تر از "فاجعه کربلا" در این منطقه وجود داشته و بعد در غالب تعزیه و نوحه خوانی و دسته راه انداختن و غیره به حیات خود ادامه است. (قابل توجه ناسیونالیست ایرانی ضدعرب و ضد "تازی": بنظر میرسد که عاشورا و عزاداری برای حسین در واقع یک محصول ماقبل اسلام و مشخصاً "ایرانی" است!) خلاصه آنکه برای مبارزه موثر علیه ناسیونالیسم و مذهب لازم است که حربه قوی تداعی شدن این ایدئولوژی‌های سیاسی با فرهنگ و سنن باستانی را از دستشان گرفت. باید پیرایه‌ها و عارضه‌های مذهبی و ناسیونالیستی و سیاسی را از عناصر فرهنگی تکاند و محتوای انسانی و زیبای آنرا بیرون کشید و ارتقاء داد. نشان داد که اساس این اعیاد و جشن‌ها و کارناوال‌ها اتفاقاً ربطی به ناسیونالیسم و مذهب ندارد. (در ضمن اینکه جوانان ایران سالهای اخیر "محرم حسینی" را به "حسین پارتی" و به درجه‌ای به نوعی کارناوال مدرن و محل ملاقات دخترها و پسرها تبدیل کرده اند، کوششی خودبخودی در جهت بیرون کردن سلاح مخوف محرم و عزاداری اسلامی از کف جمهوری اسلامی

است!)

وقتی دوست عزیزم در جواب تبریک نوروز و سال جدید به من گفت: "باشه به کوروش میگم"، او در واقع داشت همین نقطه قوت را یادآور میشد. که گویا نوروز امری مربوط به پادشاهان باستان و نمایندگان امروزی آنها یعنی سلطنت طلبان و ناسیونالیست‌ها است و من کمونیست حتی حق گفتن تبریک نوروز را هم ندارم. او در واقع داشت به من میگفت که خانه تکانی، لباس نو پوشیدن، هفت سین چیدن، چهارشنبه سوری و آتش افروختن، حاجی فیروز و عمو نوروز، سبزی پلو با ماهی، آجیل مشکل گشا، سبزه سبز کردن، دید و بازدیدهای عید، عیدی به بچه‌ها دادن، سبزه بدر رفتن، سبزی گره زدن و غیره که بهر دلیل در بین صدها میلیون مردم در ایران و بخش‌های وسیعی از آسیای میانه و خاورمیانه رسم است، همه و همه امری مربوط به ناسیونالیست‌ها و ایران پرستان است. حالا این بماند که حتی کلاه ناسیونالیست‌های مناطق مختلف (بخوانید بورژواهای مناطق مختلف) بر سر اینگونه تعبیر از نوروز توی هم می‌رود. اما دعوای آنها هرچه باشد دیگر واضح است که من کمونیست انترناسیونالیست را چه به این جلوه‌های ناسیونالیسم! در واقع او داشت نوروز و جشن و شادی سنتی مردم را سیاسی میکرد و در کیسه خود میریخت. این البته یک تلاش سیاسی عظیم تر و سازمان‌یافته تر است. برای مثال از رادیو بی بی سی تا سازمان ملل متحد از دولت آمریکا تا آکادمی همه و همه دارند همین روزها تلاش میکنند تا جشن نوروز را به پادشاهان هخامنشی و حتی منشور کوروش وصل کنند. چیزی که خودشان هم میدانند یک سرهم بافی مسخره و قلابی است. اما فعلاً مشغول رنگ کردن ملتند و البته ناسیونالیسم ایرانی هم طبعاً از

این پشتوانه سیاسی و ایدئولوژیک و تکیه کردن بر عناصر باستانی و ریشه دار فرهنگی مشعوف است. دوست سلطنت طلب من هم سوار همین موج بود.

پس اجازه بدهید قبل از هرچیز به این دوست سلطنت طلب و همه کسانی که میخواهند جشن زیبای نوروز را سیاسی کنند عرض کنم که نوروز مال پادشاهان نیست. این دروغی شاخدار است که اینگونه جشن‌ها را به پادشاهان (مثلاً کوروش) و پیامبران (زرتشت) نسبت میدهند. جشن‌ها و مراسم باستانی که فصول سال را گرامی میدارد (نظیر نوروز) می‌باید به دوره‌های بسیار قدیمی تری از تحول اجتماعات اولیه بشری تعلق داشته باشند. دوره‌هایی که هنوز مالکیت خصوصی و در نتیجه پادشاهی و امپراطوری و طبقات حاکم و مذاهب مدافع آنها و بارگاه‌های پر جلال و جبروتشان (که به زور شمشیر و چپاول و غارت و بیگاری و بردگی ساخته میشد) بوجود نیامده بود. دوره‌ای که قبایل و جماعات اشتراکی بشری از مرحله گردآوری خوراک گذشته بودند و به گله داری و کشاورزی پا می‌گذاشتند. برای قبایل گله دار و بویژه جوامع کشاورز تغییر فصل و تقویم و چرخه طبیعت اهمیت می‌یابد و جشن‌های نظیر نوروز باید هزاران سال قبل از کوروش و زرتشت و غیره بوجود آمده باشد. نه فقط بارگاه امپراطوری هخامنشی بلکه بارگاه سلسله پادشاهان ماقبل اینان در منطقه جغرافیایی وسیعی که نوروز جشن گرفته میشود (نظیر مادها و آشوریها و غیره) نیز منشاء نوروز نیست. (گو اینکه برخی معتقدند که یک جشن قدیمی آسوری - کلدانی در گرامی‌داشت روز اول بهار و سال جدید شمسی منشاء نوروز است، که البته برخی

ادامه صفحه ۶

جنبش علیه اعدام باید گسترده تر شود!

بیشترین اعدامها در ایران در سال ۲۰۱۲ نسبت به ۱۵ سال گذشته

انترناسیونال: در اولین روزهای سال جدید، بسیاری از مردم ایران نگران عزیزانشان هستند که در زندانهای جمهوری اسلامی محبوسند و خطر اعدام آنها را تهدید می کنند. بسیاری از این مردم با شما تماس میگیرند و از شما درخواست کمک می کنند، اولین چیزی که به آنها می گوئید، چیست؟

مینا/احدی: اولین حرف من به آنها اینست که باید با تمام قوا برای نجات جان این عزیزان تلاش کرد. اولین مسئله علنی کردن موضوع، پخش وسیع عکس و بیوگرافی محکومین به اعدام و تلاش برای جهانی شدن موضوع است. نجات جان هر فرد از این جنایت وحشیانه و سبعانه توسط حکومت اسلامی، امر مهم همه باید باشد و خانواده ها باید توجه کنند که رژیم جنایتکار و وحشی اسلامی میکوشد اخبار اعدامها را علنی نکرده و خانواده ها را از مصاحبه کردن و تلاش علنی و کمپین برای نجات جان عزیزانشان بازدارد. این را به خانواده ها میگویم که باید مثل یک تیم همکاری کنیم و بویژه در محل زندگی و فعالیت خودشان از مردم بخواهند دخالت کنند و با اعتراض و تجمع و اعمال فشار به جانیان وقیح اسلامی کاری نکنند که رژیم جرات نکند اعدام کند. طبعاً ما با هر کمپین وارد یک مبارزه رو در رو و روزمره با حکومت اسلامی ایران برای نجات یک محکوم به اعدام یک انسان میشویم و آنها یعنی جانیان میکوشند بهر طریق ممکن به هدف خود یعنی خونریزی برسند و

این مبارزه ای است سخت و در عین حال مهم و حیاتی! *انترناسیونال:* وضعیت اعدامها در ایران در سال گذشته چگونه بود. آیا آمار از کسانی که در خطر اعدام قرار دارند، وجود دارد؟ *مینا/احدی:* حکومت اسلامی ایران در سال ۲۰۱۲ بالاترین میزان اعدامها را در ۱۵ سال گذشته داشت. احمد شهید در سومین گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد که اوایل ماه مارس میلادی منتشر شد، از اعدام حداقل ۴۸۷ نفر در سال ۲۰۱۲ حرف زد. بنظر من آمار اعدامها متأسفانه از اینهم بالاتر است. چرا که اعدامهای مخفیانه و بدون اعلام رسمی نیز در جریان بوده است.

اکنون دیگر آمار روزانه دو اعدام را داریم و این جنایت بسیار وحشتناک و غیر قابل تصور است. یک نکته مهم است و آنهم اینکه نباید به این موضوع جنایت و قتل عمد دولتی عادت کرد، نباید به آمار عادت کرد و نباید عمق فاجعه را تا سطح آمار پایین آورد. باید به همه مردم دنیا گفت در یک گوشه از این جهان، حکومتی کثیف و جنایت پیشه وجود دارد که روزی دو نفر را به قتل میرساند. به همین سادگی. جان و زندگی دو انسان را میگیرد و به کارش ادامه میدهد و سردمداران و جانیان حاکم بر ایران با لبخند جلوی دوربین رفته و از پیشرفت مملکت حرف میزنند و اوپاما از آنسوی دنیا پیام نوری برای اینها میفرستد و میگوید اگر در موضوع هسته ای کمی کنار بیایید، همه چیز بر وفق مراد است

بنظر من وصل شدن بیشتر به اعتراضات در داخل ایران بود. ما امسال توانستیم فراخوان اعتصاب عمومی در مریوان را بدهیم و این اتفاق افتاد. یا اینکه فراخوان به تجمع در مقابل در زندانها و یا بیت رهبری و این نوع تجمعات و اعتراضات بنظر من بسیار مهم هستند و باید در سال آینده بسیار بیشتر و گسترده تر و عمومی تر شوند.

یک نکته دیگر اینست که اعتراض به اعدام در ایران یک موضوع مورد توافق در بین تقریباً همه سازمانهای سیاسی و اپوزیسیون جمهوری اسلامی و نهادهای مدافع حقوق انسانی و یا نهادهای فرهنگی و غیره است. سال گذشته اعتراضات متحدانه و همبستگی در اعتراض به اعدامها در ایران بین این سازمانها گسترده تر شد و بنظر من باید در سال آینده این اتحاد و همبستگی گسترده تر شود. ما باید در همین روزهای اول سال اعلام کنیم که نمیگذاریم خون بریزند و برای این باید متحدانه بجنگیم. این بسیار مهم است و قبلاً هم گفته ام، دیگر اعلام موضع کردن و محکوم کردن صرف، قبول نیست. باید جنگید و باید این ماشین جنایت را از کار انداخت.

مهمترین نگرانی من اینست که ما با این حجم از فعالیت نمیتوانیم از پس این همه کیس برآیم. به یک معنا تعداد زیادی اعدام میشوند بدون اینکه در مورد آنها حرفی زده شود و یا کسی از این موضوع مطلع شده باشد. من بشدت نگران این هستم که ما و فعالیتهای ما میتواند به تعداد کمی کمک کند و به این معنا باید همه احزاب اپوزیسیون و همه مدافعین حقوق انسانی سال آینده عزم جزم کرده و فقط به دادن اطلاعیه و یا ابراز نگرانی و یا

محکوم کردن اعدامها بسنده نکرده و بیش از اینها تلاش کنند. همه ما باید بیش از اینها فعالیت کنیم.

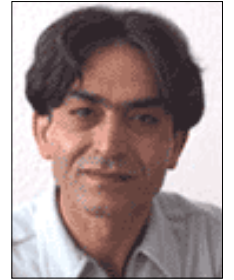
کمیتة علیه اعدام همواره يك روش کار داشته و آنهم علنی کردن کیس و پخش وسیع خبر و دامن زدن به اعتراضات در داخل و خارج از ایران بود. این روش در سال ۲۰۱۲ بسیار موفقتر بود و به همت امکانات اینترنتی و یا فیس بوك و رسانه های اجتماعی ما توانستیم کمپین های بسیار موفقتر و اعتراضات گسترده تری سازمان دهیم. این کمپین ها برای جمهوری اسلامی ایران زنگ خطری است که آنها را می بیند و محتاط تر میشود. آخرین نمونه کار موفق ما و سازمانهای علیه اعدام کمپین نجات زانیار و لقمان مرادی بود که یکی از کارهای متحدانه و موثر در ایران و در ترکیه و عراق و افغانستان و در همه جای دنیا بود.

انترناسیونال: از اعتراضات علیه اعدام در داخل ایران نام بردید، این مبارزه در داخل ایران در چه سطحی است و چطور پیش می رود؟ *مینا/احدی:* در ایران يك جنبش قوی علیه اعدام وجود دارد. در ایران نمی توان خانواده ای را یافت که زهر اعدام یعنی قتل عمد و وحشیانه توسط حکومت جنایت اسلامی را نچشیده باشد. هم اکنون هزاران نفر در سلولهای مرگ حکومت اسلامی اسیر هستند و هر لحظه ممکنست اعدام شوند. مردم همواره علیه اعدام مبارزه کرده اند. مسئله این است که حکومت و اسلحه به دستان و جنایتکارانش در مقابل هر تحرك و تعرض خانواده ها و مردم ایستاده و حتی به مادران و پدران محکومین به اعدام نیز رحم

ادامه صفحه ۷

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

سوریه دوسال بعد از آغاز انقلاب!



محمد شکوهی

سوریه تبدیل بشود. با حمایت های کشورهای عربی و با چراغ سبز آمریکا، غرب و ترکیه، این نیروی نظامی در راستای سیاستهای غرب و کشورهای منطقه، وارد معادلات سیاسی در سوریه شد. در برخورد به موضوع جنگ مسلحانه، نیروهای اپوزیسیون سوریه، واکنش های مختلفی نشان دادند. در نهایت با حمایت غرب حدود یک سال، "ائتلاف ملی سوریه" شکل گرفت. بعد از ماهها اختلاف نظر در میان اپوزیسیون پیرامون چگونگی مقابله با رژیم اسد، اکتبر سال ۲۰۱۱ همه نیروهای مخالف زیر چترائتلاف، "ارتش آزاد سوریه" را به عنوان "بازوی مسلح انقلاب" رسمیت شناخته و از همه احزاب و سازمانهای مخالف رژیم اسد درخواست کردند که با ارتش آزاد برای گسترش جنگ برعلیه رژیم اسد، همکاری نمایند. احزاب و جریانات رنگارنگ اپوزیسیون، از هواداران آمریکایی و غربی اش گرفته تا هواداران منطقه ای، بویژه کشورهای قطر، عربستان و ترکیه، به ظاهر همه با هم بر سر گسترش مبارزه مسلحانه، به اجماع رسیدند. از اواخر سال ۲۰۱۱ مقاومت مسلحانه و گسترش آن در سراسر سوریه به عنوان تنها راه حل ممکن برای سرنگونی رژیم اسد، رسماً به سیاست همه احزاب مخالف گرد آمده در ائتلاف با گسترش جنگ مسلحانه، احزاب و جریانات مذهبی سلفی و وابسته به عربستان و قطر به همراه گروههای تروریست اسلامی هوادار القاعده، بویژه جبهه النصره، با حمایت این کشورها و به عنوان یک فاکتور اعمال سیاستهایشان در سوریه، وارد معادلات سیاسی و نظامی در سوریه شدند. نیروهای مخالف رژیم اسد با این توجیه که

هر کس که با رژیم مخالف است و بر علیه نظام اسد می جنگند، در "جبهه انقلاب" قرار دارد، در عمل دست این باندها و احزاب تروریست اسلامی را در تاثیر گذاری بر روند اوضاع سوریه، باز گذاشتند. نتیجه این سیاست نیروهای مخالف این شد که هزاران نیروی مسلح این جریانات وارد جنگ با رژیم اسد و گسترش تاثیرگذاری شان بر روند اوضاع و انقلاب مردم بر علیه رژیم اسد در سوریه نمودند. پاسخ رژیم اسد با حمایت های بی دریغ جمهوری اسلامی، گسترش ابعاد سرکوب ها و در دستورگذاشتن بمباران گسترده شهرهای آزاد شده بود. رژیم اسد، سیاست محاصره شهرها، توپ باران و بمبارانهای گسترده هوایی برای بازپس گیری این شهرها را در پیش گرفت. ابعاد جنایات و سرکوبگریها و کشتار مردم در شهرهای حلب، حمص، درعا، دیر الزور، بانیاس و ادامه آن موجب اعتراض آمریکا و کشورهای متحدش در منطقه و نشان دادن واکنش به این سرکوب ها شد. از اواسط سال ۲۰۱۲ سیاست غرب در مورد سوریه و برخوردش به مخالفان اسد تغییر جدی پیدا کرد. موضوع حمایت های مالی و نظامی از گروههای مسلح و بررسی رساندن کمک های نظامی به مخالفان، در کنار سازماندهی مجدد نیروهای مخالف اسد، دوسیاست همزمان کل غرب در مورد سوریه بود. لازم به یادآوری است که در طول دوسال گذشته غرب از طریق سازمان ملل سعی در "مهار بحران" بود و چندین طرح برای پایان دادن به وقایع سوریه ارائه داد، که به اعتراف خودشان همه شکست خوردند.

با اعلام سیاستهای جدید آمریکا در حمایت از مخالفان رژیم اسد، کمک های مالی و نظامی شروع شد. "ارتش آزاد سوریه" به عنوان بازوی نظامی اپوزیسیون به رسمیت شناخته شد. مشاوران نظامی غرب در مرز ترکیه، عراق و اردن مشغول آموزش مخالفان

شدند. در بحبوحه این تحولات حمایت های جمهوری اسلامی از اسد نیز شدت گرفت. رژیم دهها هزار نیروی نظامی اراذل و اوباش اسلامی خودش را در دفاع از اسد، وارد جنگ با مخالفان و مردم سوریه کرد. سپاه قدس، حزب الله لبنان، دار و دسته های تروریست فلسطینی مستقر در اردوگاه "یرموک" در حومه دمشق، به همراه وارد کردن دار و دسته های تروریست اسلامی اش از لبنان به سوریه، رسماً در حمایت از رژیم اسد وارد سرکوب مردم و مخالفان اسد شد. پایه پای این سیاست، جمهوری اسلامی نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار پول، دهها مورد اعتبار پولی و مالی برای حمایت از اقتصاد رژیم، بطور مشخص جلوگیری از پائین آمدن ارزش پول سوریه وارد چرخه مالی و اقتصادی رژیم اسد کرد. شرکتهای اقتصادی، بانکها و موسسات مالی جمهوری اسلامی در خارج کشور، به همراه عناصر و عوامل تلاش های گسترده ای برای تامین اقتصادیات رژیم اسد، بویژه کمک به دور زدن تحریمهایش، در دستور گذاشتند. علاوه بر این کمکها تامین سوخت ماشین نظامی جنگی اسد، کمک های نفتی، گازی، تامین برق، از جمله حمایت های گسترده جمهوری اسلامی از رژیم اسد می باشد. این کمک ها ادامه دارد. جمهوری اسلامی در سوریه برای بقای خودش در ایران می جنگد. اما اوضاع امروز سوریه از چه قرار است؟ بر سر انقلاب مردم چه آمده است؟ سیاست جدید آمریکا و متحدانش در مورد سوریه چیست؟

در مورد اوضاع امروز سوریه: بیش از یک سال جنگی تمام عیار بین مخالفان و بخشا مردم با رژیم در جریان می باشد. نزدیک به ۵۰ شهر خالی از سکنه شده است. ادامه سیاست وحشیانه بمباران شهرها تنها سیاست رژیم می باشد. نیروهای نظامی اسد مدتهاست که از هم متلاشی شده

اند. تنها نیروی هوایی، گارد ریاست جمهوری به همراه سپاه قدس و حزب الله و دار و دسته های رنگارنگ تروریست هوادار رژیم های ایران و اسد هستند که در دفاع از رژیم اسد وارد جنگ بر علیه مخالفان شده اند. نیروهای مخالف رژیم در تمام کشور وارد جنگ نظامی با رژیم شده اند. شدیدترین جنگ ها ماههاست در حلب، حمص که بزرگترین شهرها می باشند، ادامه دارد. رژیم موفق به بازپس گیری این دو شهر نشده است. نزدیک به ۳۰ شهر دیگر در دست مخالفان می باشد. منطقه کردنشین سوریه هم بعد از چند ماه مذاکره مخالفان با گروههای کرد، بالاخره به صف مخالفان اسد پیوسته است. در ماههای اخیر جنگ به دمشق کشیده است و اردوگاه "یرموک" که محل استقرار نیروهای تروریست اسلامی رنگارنگ و دست ساخته جمهوری اسلامی و رژیم اسد برای دفاع از امنیت دمشق برپا شده بود، به تصرف مخالفان درآمد. اسد، سپاه قدس جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان از این منطقه عقب نشینی کرده و در اماکن حساس حکومتی در مرکز دمشق مستقر شده اند.

نیروی هوایی رژیم اسد چندین پایگاه هوایی را که زیر حمله مخالفان قرار داشت، خالی کرده و بیشترین نیروی دفاعی اش را در دمشق مستقر کرده است. نیروی هوایی تنها نیروی رژیم است که هنوز قدرت مانور دارد. به همین دلیل سیاست بمبارانهای گسترده همه مناطق که در دست مخالفان می باشد، از سه پایگاه هوایی در دمشق هدایت میشود. نتیجه بمبارانها و حملات موشکی رژیم، بویژه در یکسال گذشته کشتار وسیع مردم بوده است. بر اساس آخرین گزارشات تأیید شده در طول دو سال گذشته بیش از ۷۰ هزار نفر کشته، نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر زخمی، و بیش از ۳ میلیون نفر

دستگیری وسیع پناهجویان در سوئد و بالا گرفتن اعتراضات مردمی در دفاع از حق پناهندگی

مصاحبه حسن صالحی با عبدالله اسدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی



عبدالله اسدی

حسن صالحی: مدتی است که پروژه ای بنام روا (Reva) در سوئد با همکاری پلیس و اداره مهاجرت این کشور علیه پناهجویان در جریان است. این پروژه چه اهدافی را در پی دارد؟

عبدالله اسدی: Reva حروف اختصاری Rttsskert och e f f e k t i v t verkstillighetsarbete

می باشد که معنای آن به فارسی "اجرای موثر اخراج ها با حفظ امنیت حقوقی" است. این در واقع پروژه اخراج وسیع پناهندگانی است که پاسخ منفی گرفته اند. کسانی که به آنها پناهندگان و مهاجرین بی پرونده می گویند. البته عنوان "امنیت حقوقی" در این عنوان بیشتر امنیت حقوقی برای پلیس است که مجاز باشد از هر شیوه غیرانسانی برای اخراج پناهندگان استفاده کند. این طرح ابتدا در سال ۲۰۱۰ در مالمو واقع در جنوب سوئد برای اخراج سریعتر پناهندگان بطور آزمایشی به مرحله اجرا درآمد و با توجه به موفقیتی که بدست آورد (۲۵ درصد اخراج بیشتر پناهجویان) در سراسر سوئد به مورد اجرا گذاشته شد. هدف از اجرای این طرح اخراج تقریباً ۸۰۰۰ از متقاضیان پناهندگی است که پلیس اسامی و مشخصات آنها را در دست دارد و به موجب این طرح به اشکال بغایت غیر انسانی به شکار آنها پرداخته

می شود. یکی از این شیوه ها کنترل

کارت شناسایی در متروها (مثلاً در استکهلم) تنها بر اساس ظاهر و رنگ پوست و موی افراد بود. روشی که بدست از سوی جامعه لقب راسیستی گرفت و علیرغم دفاع اولیه از این روش توسط وزیر دادگستری با توجه به بالا گرفتن اعتراضات عمومی مردم ناچار شدند از آن عقب بنشینند. اما اقدامات دولت و پلیس سوئد تنها به شکار پناهجویان و مهاجرین فاقد اقامت در متروها محدود نبود. دیوارهایی که به دور اروپا کشیده شده اکنون به شهرها و به مراکز درمانی، مدارس، مناطق مسکونی راه یافته است و در همه جا این انسانهای پی پناه مورد پاکسازی قرار می گیرند. مثلاً پلیس با تعقیب کردن فرزندان پناهندگان مخفی در مدارس سعی می کند والدین آنها را به تور بیانند. در بسیاری از موارد، تمهیدات پلیس نفرت انگیز و توأم با خشونت بوده است. همچنین به بهانه های مختلف پناهندگان را به اداره مهاجرت فرا می خوانند و در محل پلیس بلافاصله آنها را دستگیر می کند. یک متقاضی زن پناهندگی از ایران به این تریب فریب داده شد و در اداره مهاجرت توسط پلیس دستگیر و روانه ایران گردید بدون اینکه کسی از سرنوشت او خبری داشته باشد. خبری که در روزنامه های سوئد سر و صدای زیادی هم پیدا کرد.

حسن صالحی: دامنه اعتراضات علیه این طرح در جامعه سوئد چقدر بوده است؟ عبدالله اسدی: واقعیت این است که در سالهای اخیر متعاقب با سخت شدن شرایط پناهندگی در

سوئد اعتراضات زیادی علیه سیاست غیر انسانی پناهنده پذیری دولت در جریان بوده است و مردم به انجا مختلف از پناهندگان و حقوق آنها حمایت و پشتیبانی کرده اند. اما اقدامات اخیر دولت و پلیس سوئد مثل بنزینی بود که بر آتش ریخته شده باشد و خشم و اعتراضات وسیعی را دامن زد.

بحث فقط بر سر اعتراضات خیابانی نیست. در مدیای اجتماعی و در رسانه های جمعی و اینترنت سیاست پاکسازی پناهجویان بشدت مورد انتقاد قرار گرفته است. همچنین در فاصله چند هفته اعتراضات خیابانی متعددی یکی پس از دیگری در نقاط مختلف سوئد براف افزاد که به یک نمونه آن می توان به اعتراضات هزاران نفری روز ۹ مارس در چندین شهر سوئد اشاره کرد. در استکهلم طی این روز بیش از ۲۰۰۰ نفر دست به اعتراض زدند. اندیشه علیشاهی از مسئولین فدراسیون یکی از سخنرانان این مراسم بود که سخنانش با استقبال زیادی روبرو شد. دامنه این اعتراضات به حدی بود که پلیس اعلام کرد که از کنترل خارجی تباران در متروی استکهلم خودداری خواهد کرد. در اعتراضاتی که برپا می شود موجی از همبستگی انسانی وجود دارد. مردم سعی می کنند پناهجویان دستگیر شده را از دست پلیس نجات دهند. تظاهر کنندگان اقدام پلیس در شکار پناهجویان را به اقدامات دولتهای پلیسی در سربه نیست کردن مخالفین سیاسی تشبیه می کنند و رسماً خواستار این هستند که طرح Reva متوقف و به پناهجویان اجازه اقامت داده شود. این در حالیست

هدف وجود دارد. ما بعنوان فدراسیون و نهادی که از حقوق پناهندگان دفاع می کند طبعاً بخشی از این جنبش هستیم و در جهت بسیج نیروی بیشتر و اقدامات بزرگ تر علیه سیاستهای غیر انسانی دولت سوئد در زمینه پناهندگی تلاش خواهیم کرد. به همین مناسبت فدراسیون در هماهنگی با دیگر سازمانهای مدافع حق پناهدگی برای روز ۲۰ آوریل در تدارک برگزاری یک تظاهرات بزرگ در استکهلم است که امیدواریم تعداد زیادی در آن شرکت کنند. همچنین قرار است در روز "ملی سوئد" یعنی ۶ ژوئن اعتراضات همبستگی با پناهجویان در سوئد برگزار شود.

حسن صالحی: نظراتتان در مورد چشم انداز این اعتراضات چیست و فدراسیون چه می خواهد بکند؟

عبدالله اسدی: این اعتراضات طبعاً ادامه پیدا خواهد کرد و انتظار و امید این است که به جنبش فراگیر مشابه سال ۲۰۰۵ در سوئد تبدیل شود که در نتیجه آن شمار قابل توجهی از پناهجویانی که سالها بود به طور مخفی زندگی می کردند موفق به گرفتن اقامت در سوئد شدند. به نظرم این کاملاً شدنی است و زمینه های خوبی برای تحقق این بیاوریم.*

نوروز مال شاهان نیست!

از صفحه ۲

مراسم نوروزی نظیر سبز کردن گندم و دید و بازدید و غیره در آن بجا آورده میشود!) چرا که عبور از جماعات شکارچی و گردآور خوارک اولیه به قبایل گله دار و کشاورز به هزاران سال عقب تر از شکل گیری حتی قدیمی ترین امپراطوری ها و نظام سلطه و چپاول طبقاتی برمیگردد.

نکته برجسته دیگر در جشن های باستانی نظیر نوروز همان دورهم جمع شدن، دید و بازدید و هدیه دادن به یکدیگر است. فونکسیون بسیار ضروری و پایه ای که اینهم باید به دوره ای بسیار مقدماتی در تاریخ بشر برگردد که بالاتر ذکر آن رفت. یعنی دوره عبور از جوامع اولیه گردآور خوارک به سازمان اجتماعی عالیتز قبایل گله دار و کشاورز و اتحادیه ها و کنفدراسیون های این قبایل است. این نوعی از سازمان اجتماعی پیشا دولت است که هنوز بر مالکیت اشتراکی و قبیله ای استوار است و هدف آن حمایت و همبستگی قبایل و ایلات هم ریشه و خویشاوند است. کار بشری در این مقطع اضافه محصول ایجاد میکند و مبادله در بین قبایل و اجتماعات رواج پیدا میکند اما هنوز مالکیت خصوصی و طبقات و دولت به معنای ابزار سیادت طبقاتی شکل نگرفته است. قرار دادن روزی برای جمع شدن همه این قبایل به گرد هم، تجدید عهد و پیمان کردن باهم، و رد و بدل کردن مازاد محصولات خود (همان هدیه و عیدی دادن متقابل که اشکال اولیه مبادله است) یک ضرورت بقاء و گسترش این قبایل و

زندگی اجتماعی آندوره است. خلاصه آنکه نوروز و جشن های مشابه آن باید به این دوره اولیه شکل گیری سازمان اجتماعی پیشادولتی و اولین اشکال مبادله و تجارت برگردد. هرطور که سیر دقیق ماجرا بوده آنچه که مسلم است در این مقطع هنوز نه دولتی شکل گرفته و نه پادشاه و بارگاهی هست که حالا بخواهند در رادیو بی بی سی و امثالهم شکل گیری جشنی نظیر نوروز را به آنها نسبت دهند.

البته بعدها که اضافه محصول کار و زحمت بشری بصورت مالکیت خصوصی و ثروت های افسانه ای پادشاهان و بارگاه های پر جلال امپراطورها و کشورگشایان در می آید طبعاً اعیاد باستانی و از جمله همین نوروزعلی القاعده حتی اهمیتی بیشتر می یابد. چرا که این جشن ها و مراسم به جزئی از سیستم سیاسی و کشورداری این چپاولگران و استثمارگران، یعنی همان پادشاهان و سلاطین محترم، تبدیل میشود. طبعاً در دنیای باستان وجود مراسمی که هر سال همه سران قبایل و اقوام تحت فرمان شاهنشاه را دور هم جمع کند و به پاپوس شاه بیایند و بیعت کنند و "هدیه" (بخوانید باج و خراج) بدهند، برای اداره امورات امپراطوری جناب امپراطور خیلی خیلی اهمیت داشت. شاید بشود گفت همانقدر اهمیت داشت که در دنیای امروز ما وال استریت و بورس و سود و آکادمی و امثال سی ان ان و بی بی سی، برای حفظ اقتدار امپراطوری صاحبان سرمایه های جهانی و ملی ضرورت دارد.

اما دوست سلطنت طلب من اینجا می تواند وسط حرف بپرد

که "پس آیا این به معنی این نیست که اتفاقاً نوروز به شاهان تعلق دارد؟"

واضح است که جواب منفی است. اگر چیزی از شاه بازی و امپراطور بازی در نوروز باقی مانده باشد، زانده ای بر این جشن است و باید آنرا از مراسم نوروزی بیرون گذاشت. همانطور که برای مثال گذاشتن قرآن بر سر سفره هفت سین را بعنوان تلاش اسلامیت ها برای وصل شدن به نوروز دانست و آنرا کنار گذاشت. خوشبختانه نوروز از جمله جشنهایی است که جنبه مذهبی و عقب مانده (نظیر کشتار حیوانات و قربانی کردن که در بعضی مناسک تا امروز باقی مانده) ندارد. جشنی مربوط به شادی و بهار است. اینکه ناسیونالیسم میخواهد نوروز را دستمایه ایرانی پرستی و امیال و مقاصد سیاسی و ایدئولوژیک خود قرار دهد ربطی به نوروز باستانی (که امروز توسط مردمان زیادی با هویت های قومی و ملی و مذهبی گوناگون جشن گرفته میشود) ندارد. لذا آنچه که قطعاً باید از مراسم گردهمایی نوروز بیرون گذاشت همانا این تلاش ناسیونالیست ها (چه در ایران و چه کشورهای دیگر) برای قبضه کردن این جشن زیبای باستانی است. تلاشی که میخواهد نوروز را به شاهان و چپاولگران باستان و وارثان کنونی آنها یعنی طبقه بورژوازی و ناسیونالیسم و جریانات سیاسی اش ببندد و از آن محملی برای تقویت جریانات راست بسازد. این تلاش دقیقاً در عکس جهتی است که نوروز و اعیاد شبیه آن بخاطرش پدید آمده است. یعنی دوستی و همبستگی بین انسانها. لذا در پایان باید تاکید کرد که بر خلاف ظاهر کاملاً حق به

جنب دوست عزیز سلطنت طلب، اتفاقاً این ناسیونالیسم و تلاش های قلابی برای سیاسی کردن نوروز است که ربطی به اساس این جشن قدیمی ندارد. این چیزی است که نوروزی نیست و دیروزی است! و اتفاقاً این آزدیخواهان و انسان دوست ها و بخصوص ما کمونیستها (که میکوشیم مذهب و ناسیونالیسم و هر شائبه منفعت پرستانه طبقات حاکم را از زندگی بشری بزدا کنیم) هستیم که در دفاع از فرهنگ بشری، و اینجا مشخصاً نوروز و تلاش آدمیان بی شماری که در پهنه ای گسترده از این کره زیبا چنین جشنی را خلق کرده و نسل اندر نسل گرامی داشته اند، ثابت قدم هستیم. نوروز یک جشن زیبا در گرامیداشت بهار و تولد دوباره طبیعت است. یک جور گرامیداشت سال تازه توسط انبوه انسانها با سنت های زیبا و جالب است که فی الحال توسط صدها میلیون نفر از چین و هند گرفته تا سوریه و ترکیه با انواع باورهای مذهبی و سیاسی جشن گرفته میشود. میتواند بلافاصله مبنای نزدیکی و تعاون و

همکاری جوامع انسانی وسیعی خارج از تقسیم بندی های قومی، مذهبی و کشوری کنونی این منطقه بزرگ از جهان شود. این جشن حتی ظرفیت اینرا دارد (و در این راه هم دارد قدم بر میدارد) که به یک سنت جهانی گرامیداشت بهار تبدیل شود و وسیع تر و پر شکوه تر برگزار گردد و مبنایی برای همبستگی بیشتر انسانها باهم شود. اما این جهت را نوروز وقتی میتواند سریع تر و بهتر بردارد که آنرا از شائبه های تنگ نظرانه سیاسی بورژوازی یعنی برده داران عصر ما، از ناسیونالیسم و دروغ ها و خرافه هایش تکاند.

در یک کلام نوروز جشن شادی انسانها در گرامیداشت بهار، دیدار یکدیگر و لذت بردن از همدیگر است. نه به شاهان و پیغمبران و نه به بورژواها و ناسیونالیست ها تعلق ندارد. مال هر کسی است که رهایی همه بشریت را میخواهد و همه سنت ها و جشن های زیبا و انسانی ساکنان چهار گوشه زمین را گرامی میدارد.

(۲۰ مارس ۲۰۱۳)

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

اساس سوسیالیسم انسان است!

پیام تبریک حمید تقوائی به مناسبت نوروز

از صفحه ۱

کشیدن کل جمهوری اسلامی بوسیله

توده مردم تبدیل بشود. مقامات

حکومت خود بارها هراس شان از

"فتنه بزرگ"ی که در راهست را

اعلام داشته اند و بیکدیگر هشدار

داده اند و در عین حال با افشگری از

دزدی و فساد یکدیگر مردم را به

انقلاب علیه خود فراخوانده اند. این

وضعیت ناپایدار و بحرانی برای

حکومتیان و این شرایط غیر قابل

تحمل برای توده مردم تنها با

سرنوشتی جمهوری اسلامی بقدرت

انقلاب میتواند به نفع مردم حل

بشود و رهائی و آزادی و برابری و

رفاه را برای مردم ایران به ارمغان

بیاورد.

انقلابی که در ایران شکل

میگیرد با خصلت عمیق ضد

مذهبی اش، با بچالش کشیدن

بی حقوقی و فرودستی زن که ثمره یک

مقاومت و اعتراض پیگیر علیه

حجاب و آپارتاید جنسی است، و با

تحرك و وزن و جایگاه جنبش کارگری

و فعالین و شخصیت‌های و نهادهای

آن در جامعه، و با حضور فعال چپ

انقلابی جامعه که حزب کمونیست

کارگری آنرا نمایندگی میکند، این

قابلیت را دارد که تا خلع ید کامل از

اقلیت صاحب ثروت و سرمایه و

جارو کردن کل نظام استثمارگر

سرمایه داری به پیش برود. حزب

کمونیست کارگری حزب این انقلاب

است و با تمام توان و امکانات خود

برای شکلگیری و پیشروی و به

پیروزی رسیدن آن مبارزه میکند.

امیدوارم سال تازه سال رهائی از

شر حکومت اسلامی و خلع ید

سیاسی و اقتصادی از یک

درصدیهای سرمایه دار در ایران

باشد.

یکبار دیگر فرارسیدن سال

انقلاب را به همه مردم آزاده و مبارز

ایران تبریک میگویم.

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۷ اسفند ۹۱

جنبش علیه اعدام باید گسترده تر شود!

از صفحه ۴

نیز همواره اعتراض کرده و در دفاع

از زانیارو لقمان نیز به خیابان

رفتند. چندین تشکل سیاسی و

مدافع حقوق انسان در افغانستان با

دادن بیانیه مشترکی به اعدامهای

گسترده شهروندان افغانستانی در

ایران و همچنین اعدام جوانان ایرانی

اعتراض کردند. این اعتراضات

همواره در افغانستان ادامه یافته

است. همچنین در کردستان عراق

اعتراض به اعدامها در ایران همواره

یک جنبش مهم بوده است. علیرغم

سنگ اندازی دولت محلی کردستان

عراق و یا علیرغم همکاری وقیحانه

دولت مرکزی عراق با جانیان

اسلامی، مردم کردستان عراق به

اعدامها اعتراض کرده اند. سال

گذشته در ترکیه نیز اعتراضات

گسترده ای به حکم اعدام زانیار و

لقمان انجام شد و این اعتراضات

بنظر من در سال آینده باید بیش از

اینها سازمان یابد.

در مواردی تجمعات باعث

نجات جان محکومین به اعدام و یا

عقب افتادن اجرای حکم شده است.

در سنج و در مریوان و دیگر

شهرهای کردستان سنت اعتراض و

تجمع بسیار جا افتاده تر است و

تجمعات زیادی علیه اعدامها در

جریان بود. در مریوان در جریان

اعتراض به حکم اعدام زانیار و

لقمان مرادی مردم حتی مغازه‌ها را

بسته و به یک اعتصاب دست زدند

این بسیار مهم بود.

کمپین دفاع از زانیار و لقمان

در یکسال گذشته یک کمپین مهم

ما و از جمله آخرین کمپین ها در

سال گذشته بود که با دفاع همه

سازمانها و احزاب سیاسی و با

فعالیت گسترده در داخل و خارج از

ایران همراه شد. از این نوع کمپین

ها باید بیش از این سازمان داد.

من در اینجا لازم میدانم که از

فعالیت‌های همه سازمانها و افرادی

که علیه اعدام فعالیت کرده اند،

تشکر کنم و خودم را در کنار همه

آنها بدانم و از جمله از آقای بیگلری

فعال سرشناس علیه اعدام و جمعیت زندانیان ایران- کلن در شهر کلن آلمان شهر محل زندگی خودم حرف بزنم که همواره در صحنه مبارزه بوده و در طول سال علیه اعدامها صمیمانه تلاش میکنند.

انترناسیونال: برای سال جدید چه کمپین ها و چه برنامه هایی را در دست دارید؟

مینا احدی: بنظر من باید در سال آینده بسیار بیش از اینها علیه اعدام فعالیت کرد. من فکر میکنم باید همه احزاب و سازمانهای سیاسی در یک ائتلاف و هماهنگی گسترده، علیه این موج وحشتناک کشتار و خونریزی فعالیت کنند. ما باید در دنیا موج گسترده ای از اعتراضات را سازمان دهیم و در عین حال در داخل ایران باید فراخوان اعتراضات گسترده داده و از همگان دعوت کنیم اعتراض کنند. این امکان پذیر و بسیار مهم است.

انترناسیونال: توصیه شما به کسانی که عزیزانشان در خطر اعدام قرار دارند و به مردمی که مخالف اعدام هستند، چیست؟

مینا احدی: باید برای نجات این عزیزان هر کاری را که میتوانیم انجام دهیم. مبارزه برای زندگی و دفاع از جان محکومین به اعدام یک مبارزه بسیار مهم و حیاتی است. در عین حال این مبارزه ای است برای سرنگون کردن این بساط جنایت و گرسنگی و ناداری و فلاکت و خفقان.

مبارزه علیه اعدام مستقیماً مبارزه ای برای سرنگونی حکومت اسلامی ایران است. اگر میخواهید نفس بکشید و زندگی کنید، اگر میخواهید از فقر و ناداری و فلاکت و خفقان رها شوید باید علیه اعدام در ایران مبارزه کنید. پس دست به دست هم دهیم و علیه طناب دار و علیه ستون و تکیه گاه حکومت اسلامی بپا خیزیم. این وظیفه همه ما است برای نجات زندگی هزاران نفر محکوم به اعدام و برای سرنگون کردن حکومت و دفاع از زندگی بهتر.*



گروهی دیگر به فاصله ای کوتاه نشان میدهد امر تجاوز به زنان کاملاً سازماندهی شده بوده و آن را از یک امر اتفاقی و فردی جدا میکنند. امروز دیگر موضوع جایگاه زنان در هند همانند بسیاری جوامع دیگر به یک جدل جدی سیاسی بدل شده است. هرچه زنان برای داشتن حرمت انسانی و حضور آزادانه در جامعه و موقعیتهای اجتماعی مبارزه میکنند حمله به زنان منسجم تر میشود و تجاوز جنسی یکی از خشن ترین اشکال بیحرمتی به زنان است. به زنان تجاوز میکنند تا بگویند زنان انسان نیستند و تنها یک وسیله برای استفاده هستند. اما زنان کوتاه نیامده اند و جنبش زنان در هند نیز قدمهای بزرگی در راه مبارزه برای کسب موقعیت انسانی خود برداشته است و همین امرتجعین رایه هراس میاندازد. هرچند دولت هند خود را در این خشونتها مستقل نشان میدهد و با دستگیری و احیانا

مجازات متجاوزین اینطور وانمود میکند که مسئولیت پاسداری از زنان را بر عهده دارد ولی باید گفت تنها راه حمایت از زنان تغییر قوانین به نفع زنان است. زنان باید از بردگی جنسی رهایی یابند. زنان باید آزادانه حق انتخاب داشته باشند و از حقوق برابر با مردان در تمامی زمینه ها برخوردار باشند. ریشه ی خشونت و تجاوز علیه زنان در مناسبات و قوانین جاری در جامعه است و برای ریشه کن کردن این خشونت باید این مناسبات و قوانین پوشیده و ضد زن را زیر و رو کرد.*

ادامه تجاوز و حمله به زنان در هند

برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان باید حرمت و هویت انسانی را به زنان بازگرداند

فرح صبری

نیست، بلکه برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان باید حرمت و هویت انسانی را به زنان بازگرداند. این میسر نمیشود تا هنگامیکه زنان در تمامی شونات اجتماعی و حقوقی و قضایی و همانند یک انسان برابر با مردان در نظر گرفته شود و با تمامی سنتها و عرفهای مذهبی و قومی که زنان را تحت مالکیت فرد یا قبیله ای به حساب میاورد مقابله شود. در واقع هر چهار چوبی که در آن زنان تحت مالکیت قرار گیرند به این معناست که میتوانند مورد استفاده قرار گیرند. قوانینی که بر اساس بیحقوقی زنان استوار باشد در واقع زمینه ی تجاوز به زنان را فراهم کرده است. جامعه ی هند نیز همانند همه جای

بعد از خیر تجاوز گروهی به یک دختر ۲۳ ساله که در ماههای گذشته باعث بروز اعتراضات گسترده در هند شد بار دیگر شاهد مورد دیگری از یک تجاوز گروهی هستیم. طبق اخبار منتشر شده روز جمعه هنگامی که زن سوییسی با شوهرش که در یک اردوگاه جنگلی به سر میرد مورد حمله قرار گرفت. پلیس هند میگوید هفت مرد در این تجاوز جنسی شریک بودند. گزارش شده است که زن سوییسی پس از مداوا از بیمارستان مرخص شده است. سالها است که جامعه هند تحت حاکمیت مذهب و مناسبات قومی قرار دارد که هر دوی این مناسبات بر پایه ی ضدیت با زن استوار میباشند. هند را کشوری با آمار هر ۲۰ دقیقه یک مورد تجاوز، نام میبرند و سال گذشته بیش از بیست و چهار هزار مورد تجاوز گزارش شده است. مردم هند به درستی اعتراضاتشان را متوجه دولت هند کردند و خواهان تدوین قوانینی برای جلوگیری از بروز مجدد این صحنه های غیر انسانی شدند. هرچند که بعضی از مدیا از جمله خبرگزاریهای حکومت ضد زن جمهوری اسلامی تلاش کردند اعتراضات مردم هند را به خواست اعدام برای متجاوزین، تقلیل دهند. اما خبر تحسن صدها زن و مرد گیتاریست که ترانه جان لندن را اجرا کردند چهره ی انسانی اعتراضات مردم هند را پررنگ کرد. جوانانی که اعتراضاتشان را با موسیقی جان لندن اعلام میکنند میدانند که راه مبارزه با خشونت علیه زنان، اجرای مجازاتهای خشونت باری چون اعدام متجاوزان

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۹ و نیم تا ۱ و نیم شب بوقت ایران (۷ تا ۱۱ شب به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود.

کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید!

فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

<http://www.newchannel.tv/>
nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب:

Engalnd
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN:GB77 NWBK 6024 2345
4779 81
BIC: NWBK GB 2L

"فرانچسکوی اول" سر نرینه اعظم



شهاب بهرامی

مردی که در جلو یک جمعیت محترم می بینید، کار خود را به عنوان یک کاسب

شروع کرد؛ کسب و کار او با ضرر مواجه شد و به کشیشی پناه آورد؛ دیگری اول کشیش بود ولی به محض آنکه مقداری پول اندوخت منبر را ترک کرد و به کسب و کار روی آورد. در چشم بسیاری از مردم، روحانیت مذهبی یک حرفه صنعتی واقعی است. (برونو بوئر)

"فرانچسکوی اول" سر نرینه اعظم

بعد از استعفای ناگهانی پاپ بندیک شانزدهم که در تاریخ ششصد سال گذشته کلیسای کاتولیک بی سابقه بوده، صد و پنجاه تن از کاردینال های جهان در "نرینه سرای واتیکان" گرد آمدند تا دویست و شصت و ششمین نماینده مسیح را از میان خود برگزینند.

بالاخره انتظار بی پایان زائران و مومنان مسیحی به سر رسید و در غروب

چهارشنبه دود سفیدی که نماد انتخاب شدن پاپ جدید است از دودکش نمازخانه سیستین خارج شد. پاپ جدید دقایقی بعد از انتخاب، برای لحظاتی و گفتن چند جمله در بالکن مشهور ظاهر شد و از مردم خواست که برای وی و پاپ مستعفی دعا کنند. چه نمایشی!

یادآوری "واتیلیکس"

بدنبال چاپ کتابی افشاگرانه در پاییز سال گذشته در ایتالیا که در آن با استناد به مدارک محرمانه نشت شده از واتیکان به شرح جزئیات جنگ قدرت، گرایشات و باند بازیهای سیاسی و فساد در بالاترین سطوح دولت واتیکان پرداخته بود، ارکان کلیسای کاتولیک به لرزه افتاد. و متعاقبا به برکناری رئیس بانک واتیکان و همچنین دستگیری پیشخدمت مخصوص پاپ مستعفی انجامید. خبر همکاری پاپ مستعفی با نازیستها در ایام جوانی و دفاع وی از کشیشان و اسقف ها و "کاردی نرهای" پدوفیل در اقصی نقاط عالم، سناریوی واتیلیکس را کامل کرد و زنگ شمارش معکوس را برای تعویض پاپ جدید به صدا درآورد.

دولت واتیکان

با روی آوری و گرویدن

های بیشتر برای نهاد واتیکان است. اینجا است که باید به این گفته برونو بوئر اضافه کرد که مذهب نه تنها یک حرفه صنعتی واقعی که ماشین عظیم قتل و جنایت سرمایه داری عصر حاضر نیز هست. واتیکان امروز شاید تنها صورتکی بزرگ کرده از چنین ماشینی است.

کلیسای ارتدوکس قبرس و بحران مالی آن کشور

بدنبال بحران گسترده مالی در کشور قبرس، رهبر کلیسای این کشور اعلام داشته که برای کمک به حل این بحران، کلیسا حاضر است در اوراق قرضه دولتی سرمایه گذاری کرده و این اوراق را خریداری کند!

طرح نجات مالی که روز شنبه اعلام شده بود موجب خشم شدید مردم گشته و هزاران نفر از معترضان با برپائی تظاهرات در مقابل پارلمان، این دزدی کم سابقه و سرگردنه بگیري بانکداران و دولتی ها را قویا محکوم کرده اعلام نمودند که هرگز اجازه چنین تجاوز آشکاری به زندگی و اندک اندوخته ای که دارند را نخواهند داد. در صورت تصویب این طرح یعنی طرح

بستن مالیات به اندوخته ها و سپرده های بانکی مردم، قرار بود بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول، وامی به مبلغ سیزده میلیارد یورو در اختیار دولت و بانکهای ورشکسته آنجا قرار دهند تا دوباره به جیب های گشاد بانکداران و باندهای سرمایه داران حاکم ریخته شود.

با تعرض و واکنش سریع مردم به طرح مذکور، پارلمان این کشور مجبور شد با عدم تصویب آن، دولت را بر سر دوراهی ماندن یا نماندن در حوضه یورو سوق دهد. آینده اقتصادی قبرس همانند یونان همچنان در پرده ابهام قرار دارد. سایه سنگین بحران یورو کماکان پابرجاست و از این منظر آینده قبرس تارتر از هر زمانی است. اگر اروپای واحد در نجات قبرس ناکام بماند آیا کلیسای قبرس بیست میلیارد یورو از اوراق قرضه را خواهد خرید؟ در این صورت اولین سوال این است این حجم عظیم مالی در دست کلیسای کوچک قبرس از کجا آمده است؟

شاید "فرانچسکوی اول" جوابش را بهتر از هر کسی بداند.*

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)
For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بسته شدن پرونده ستار بهشتی، سرپوشی دیگر



مریم تقی نژاد

سرنوشت ستار بهشتی منتقد حکومت و کارگر وبلاگ نویس واقعیت تلخیست و به غایت ضد بشری. گزارشها و اخبار دستگیری، بازجویی، شکنجه های بیرحمانه و قتل ستار بهشتی زیر شکنجه توسط جانیان کهریزکها و سپس اعلام اینکه او به مرگ طبیعی مرده است، خیلی زود توسط احزاب سیاسی و فعالین و نهادهای حقوق بشری، جهانی شد. و جمهوری اسلامی را به تناقض گویی وادار کرد. مقامات مختلف رژیم دلایل مختلفی برای مرگ ستار بهشتی عنوان کردند و در نهایت تلاش کردند تا برای پاک

کردن صورت مسئله و عادی جلوه دادن این جنایت با فشار به خانواده و وکیل آنان را از پیگیری پرونده ممانعت کنند تا راز این جنایت همراه با بدن شکنجه شده ستار دفن شود.

ماموران امنیتی برای مختموم کردن پرونده ستار، با زور و تزویر توانسته اند از پدر وی رضایت بگیرند. پدری که خود نیز یکی از قربانیان سیستم سیاسی، اجتماعی حاکم بر ایران و سالها از خانواده خود جدا بود. اگر چه قوانین اسلامی به بهانه امضای پدر ستار پرونده را بسته است اما مادر او گفته است: "تقصاص خون فرزندش را میگیرد حتی در این راه از جان خویش هم خواهد گذشت". به گفته مادر ستار او هم پدر و پسر خانواده بود و به عنوان سرپرست خانواده از بسیاری از رویاها و آرزوهای خود گذشت تا بتواند با تامین چرخه اقتصادی خانواده هزینه های سنگین درمان مادرش را نیز تامین کند. به همین

دلیل بود که مسبب تمام بی حقوق های طبقه کارگر را سیستم سرمایه داری و جمهوری اسلامی می دانست و برای اعتراض به وضعیت موجود پا در عرصه فعالیت سیاسی و نقد نظام گذاشت.

حکومت اسلامی با این ترند به عوامل خود که مستقیماً در این جنایت دست داشته اند قوت قلب و اطمینان داده که پرونده ستار را بسته است و این جانیان همچنان می توانند برای حفظ نظام ننگین اسلامی به آدمکشی ادامه دهند. اگر چه حتی مطابق قوانین جمهوری اسلامی در صورت مختموم شدن چنین پرونده هایی دادستان می تواند اعاده دادرسی نماید زیرا که پرونده دعوی شخصی نبوده و حتی دادگاه انتظامی هم می تواند طرح دعوی کند چون اخباری که افشا شده نشان می دهد نقش و جرم مامورین جمهوری اسلامی در قتل ستار محرز بوده است. اما کنکاش بیشتر در این پرونده هم پای سران

جمهوری اسلامی را به میان میکشد و رژیم از امر هراس دارد. گوهر عشقی مادر ستار بهشتی، نمی خواهد قاتلان پسرش بی مجازات بمانند. او خواهان اجرای عدالت است. اما از عدالت چیزی بیشتر از آنچه قوانین اسلامی به جامعه تحمیل کرده، نمی شناسد. گوهر عشقی خواهان قصاص قاتلان فرزندش است. یعنی همان توحش و جهالتی که جمهوری اسلامی سالها است آن را قانونی کرده و بکار می برد.

از مادر ستار بهشتی باید حمایت کرد. او باید همدردی همه انسانهای شریف و متمدن را با خود داشته باشد. قاتلان فرزند او و قاتلان هزاران مادر دیگر باید در دادگاه های علنی محاکمه شوند. دنیا باید از ابعاد و عمق جنایات جمهوری اسلامی مطلع شود. اما باید به او گفت که با ابزار جمهوری اسلامی، با قانون وحشیانه قصاص نمی توان با بیعدالتی و جنایت مبارزه کرد. قصاص همان تکرار جنایت جمهوری کشف است اما اسلامیست، حتی اگر قصاص شوندهگان جانیان جمهوری اسلامی باشند. دادخواهی مادر ستار نه با قصاص و انتقام جویی، بلکه با

محاکمه عادلانه، شفاف و علنی تا روشن شدن همه عاملین این جنایت در دادگاه های مردمی با انسانی ترین قوانین محقق خواهد شد.

وکیل پرونده ستار بهشتی تحت فشار است و مختموم شدن نهایی پرونده اعلام گردیده است، نهادهای حقوق بشری تلاش می کنند با طرح پرونده در مجامع جهانی، جمهوری اسلامی را برای باز کردن این پرونده تحت فشار بگذارند. اما تلاشهای این نهادها هر نتیجه ای نداشته باشد، این پرونده هرگز بسته نخواهد شد. همچنان که پرونده جنایات کهریزک و هزاران جنایت دیگر انجام شده توسط جلادان اسلامی باز است و منتظر رسیدگی نهائی است. افشای محتویات این پرونده ها کشفی را که به نام عدالت، قضاوت و نظام اسلامی بر ایران حاکم است، در مقابل چشم جانیان خواهد گذاشت و بساط جنبش ارتجاع اسلامی را برای همیشه از دنیا جمع خواهد کرد. خواسته مادر ستار عملی خواهد شد. او هیچگاه بیان نکرده که قصد انتقام جویی دارد بلکه خواسته است که این جنایات برای همیشه پایان بگیرد.*

دومین کنفرانس انتقادی به همکاری و مباحثات دولت آلمان با سازمانهای اسلامی، برلین ۱۱ و ۱۲ ماه مه ۲۰۱۳



m/
KritischeIslamkonferenz2013

آدرس تماس با سازمان دهندگان برای اسم نویسی:
zirstein@kritische-islamkonferenz.de

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان
۲۱ ماه مارس ۲۰۱۳

حامد عبدالصمد، مینا احدی، لاله آگون، نجلا کله ک، هارتموت کراوس، فیلیپ مولر، فولکر پانتزر، میشاییل اشمیت سالمون، مارکوس تیده من، آرزو توکر، علی اوتلو، ولفگانگ ولش و ...

سایت و فیس بوک کنفرانس
<http://kritische-islamkonferenz.de/>

www.facebook.com

کنفرانس انتقادی اسلام را برگزار کردیم و اکنون دومین آن در برلین سازمان می یابد. کنفرانس انتقادی اسلام در روزهای ۱۱ و ۱۲ ماه مه است و در روز ۱۰ ماه مه در سینمای هاگشه هوفه فیلمی در مورد ایران نشان داده میشود و در پایان گفتگو و دیدار با مهمانان کنفرانس انتقادی اسلام خواهد بود.

سخنرانان کنفرانس :

مباحثات با حجاب کودک و یا سکوت در مقابل نوعی از آپارتاید جنسیتی، اسلام را در آلمان انتگره کنند. کنفرانس اسلام قرار است در روز ۷ ماه مه در برلین برگزار شود و کنفرانس انتقادی اسلام در روزهای ۱۰ و ۱۱ ماه مه است.

ما به این سیاست دولت آلمان معترضیم و در سال ۲۰۰۸ اولین

دولت آلمان با سازمانهای اسلامی از چندین سال قبل کنفرانس اسلام را سازمان میدهد. در این کنفرانس با نمایندگان سازمانهای مرتجع اسلامی در مورد مقررات میلیونها نفر پناهنده و مهاجر از کشورهای اسلام زده صحبت میکنند و ظاهراً قرار است با دادن امتیاز به سازمانهای اسلامی و با ساختن مساجد و تدریس اسلام و

یک گزارش کوتاه از ایران

فروغ صبری

خرید چه معنی دارد؟! من فکر میکنم این به آن خاطر است که مردم در عین این عصبانیت و خشم، میل شدید به داشتن یک زندگی بهتر دارند و از هر فرصتی برای حفظ موقعیتهای شاد و برای تهیه ملزومات شادیهای هر چند اندک در زندگی استفاده و تلاش میکنند. خانمی میگفت با این چندرغازی که داریم خونه که نمیتوانیم بخریم پس شادیهای کوچکمان را خراب نمیکنیم و بالاخره دل بچه هامان را کمی شاد میکنیم. همه ی مردم میدانند که در گرفتاریهایشان تنها نیستند و هیچ کس خودش را برای نداشته هایش سرزنش نمیکند. این روحیه مردم نشان میدهد که مستاصل و نا امید نیستند در عین حال که بسیار عصبانی و خشمگین و منزجر از شرایط حاکم بر زندگیشان هستند و همین جنایتکاران اسلامی را میترساند. در روزهای پایانی سال بیش از هر چیز حضور گسترده نیروهای نظامی و لباس شخصیها در مراکز خرید به چشم می خورد. هم حکومت و هم مردم به خوبی میدانند این اوضاع ماندگار نیست و بزودی تکلیف ارادل و اوباش اسلامی در ایران یکسره خواهد شد.

به امید داشتن روزهای خوب سال نو را تبریک میگویم.*

در روزهای اخیر مردم در هیاهوی خرید و جابجائیهای شب عید بودند و جامعه از تحرك خاصی برخوردار بوده است. اما سایه گرانی و فقر بر مراسم نوروز و گرده ی اکثریت مردم هرچه سنگین تر می شود. همه ی مردم میدانند که مسبب تمامی گرفتاریها و بدبختیهایشان حکومت جمهوری اسلامی است. تمامی مصیبتهای بیکاری و بی تامينی خشم عمیقی را در رگهای جامعه به جریان میاندازد. مردم خشمگین و عصبانی هستند و این تصویر را البته در تمامی انعکاسهایی که از جامعه ی ایران بدست میآید، میتوان دید. اما روحیه ی مردم ایران در این اوضاع از پیچیدگیهای خاصی برخوردار است شاید به نظر برسد وقتی مردمی تا این اندازه خشمگین و عصبانی باشند نمیتوانند برای رسیدن شب عید اینقدر از خود رغبت نشان دهند.

در روز های پایانی سال در بازارها غوغایی بر پا بود و جمعیت باور نکردنی در بازارهای خرید موج میزد. مردم کمتر خرید می کردند و یا سراغ ارزانهترین و نامرغوب ترین جنس ها می رفتند. اما این سوال برای بعضی ها مطرح بود که اگر مردم فقیر و گرفتار هستند پس این همه میل به

از مخالفان اسد را ضمنی اعلام کرده و هشدار داد که کمک ها باید "هدایت شده" باشد. همزمان برخی مقامات آمریکایی و فرماندهان ناتو صحبت از بررسی دخالت نظامی در سوریه کرده و اعلام کرده اند که روند اوضاع سوریه به سویی می رود که راه حل تنها دخالت نظامی می باشد. به عبارتی نوع دخالت نظامی نظیر لیبی. در اقدام بعدی از حدود سه ماه پیش بحث "تشکیل دولت موقت" را در دستور خود گذاشته اند. بعد از ماهها اختلاف و کشمکش، بالاخره اوایل هفته گذشته دولت موقت را انتخاب کرده و غسان هیتو به ریاست آن گماشتند. قرار شده است این دولت در مناطق آزاد شده زمام امور را در دست گرفته و با گسترش حملات نظامی با حمایت آمریکا و متحدینش، رژیم اسد را به زیر بکشند. این وضعیت سوریه در شرایط فعلی می باشد. زمزمه های دخالت نظامی، حتی اگر ناتو هم دفاکتو پای آن نرود، بلند تر شده است. در یک چنین شرایطی انقلاب ناتمام مردم سوریه وارد سومین سال خود شده است. انقلابی که با وضعیت تحمیل شده به آن فعلا از قدرت دخالتگریش کاسته شده است. نظامیگری و جنگ مسلحانه ماههاست که دست بالا را پیدا کرده است. اما علیرغم تقلابها، تلاش های احزاب و جریانات و دار و دسته های نظامی رنگارنگ که سعی در اعمال هژمونی خود بر انقلاب ناتمام مردم بوده و می باشند، سرنگونی رژیم اسد و رسیدن به راهی از شر حکومت دیکتاتوری اسد، هنوز یک خواست عمومی و بخشا انقلاب ناتمام مردم می باشد. با سرنگونی رژیم اسد، شانسی بازگشت دوباره انقلاب مردم و تاثیرگذاری بر روندهای آتی در دوران بعد از اسد، هنوز وجود دارد.*

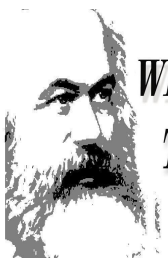
سوریه دوسال بعد از آغاز انقلاب!

از صفحه ۴

دستور مخالفان قرار گرفت و متقابلا رژیم سیاست محاصره شهرها و بمبارانهای گسترده را در دستور خود گذاشت. ابعاد و دامنه سرکوب و وحشیگریهای رژیم اسد، بخش هایی از مردم را به پیوستن به ارتش آزاد و آغاز جنگ مسلحانه تشویق کرد. از اواسط سال ۲۰۱۲ اعتراضات و اعتصابات توده ای در اثر بمباران شهرها و تظاهرات مردم رفته رفته کاهش پیدا کرد. به عبارتی انقلاب از خیابان و محل کار و شهرها رخت بریست و مقاومت نظامی عمومیت پیدا کرد. همزمان آمریکا و غرب از بالای سر مردم نیروهای رنگارنگ قومی و مذهبی و هوادار خودشان را به عنوان "الترناتیو دوران بعد از اسد" به جلوی صحنه آوردند. همزمان غرب انتقاداتی بر اپوزیسیون و ترکیب آن داشت تا اینکه هشت ماه پیش آمریکا و غرب اپوزیسیون مورد نظرش را "یک دست" کرد و آن را به عنوان نماینده "مردم سوریه" به رسمیت شناخت. در اقدام دیگر "ارتش آزاد سوریه" را به عنوان بازوی نظامی اپوزیسیون به رسمیت شناخته و همه فعالیتهای نظامی بر علیه رژیم اسد را زیر چتر این نیرو قرار داد. در این میان اختلافاتی نیز در اپوزیسیون بوجود آمد که سیاست آمریکا و عملی شدنش را با مشکلات جدی مواجه کرد. از اینجا به بعد آمریکا و غرب رسماً و علناً "ارتش آزاد سوریه" را تقویت و به عنوان یک بازیگر مهم سیاستهای خود به صحنه آورده و اپوزیسیون سوریه را موظف به حمایت از آن کردند. در ادامه حمایتهای غرب از اپوزیسیون، فرانسه و انگلیس خواهان حمایت نظامی از مخالفان شده اند. هفته گذشته اتحادیه اروپا حمایت نظامی

آواره شده اند. بیش از یک میلیون نفر پناهنده کشورهای همسایه شده اند. دو میلیون نفر در داخل سوریه پناهنده شده اند. اکثر این مردم در کوهها، غارها و روستاهای متروکه مرزی ناچار به زندگی شده اند. شهر حلب بیش از ۸ ماه است در محاصره ارتش و زیر شدیدترین بمبارانها قرار دارد. اوضاع زیستی، معیشتی مردم اسفناک می باشد. کمبود مایحتاج عمومی، عدم دسترسی به دوا و درمان و ... خطر بروز یک فاجعه بزرگ انسانی را دارد. رژیم اسد به فشارهای جهانی برای کمک رسانی به مردم جواب منفی داده است. اما علیرغم این همه سرکوب، بمبارانها و سختی ها جنگ مخالفان و مردم بر علیه رژیم اسد، نه تنها فروکش نکرده، بلکه گسترش نیز یافته است.

بر سر انقلاب ناتمام مردم چه آمده است؟ انقلابی توده ای که از مارس ۲۰۱۱ آغاز شد، در مدت کوتاهی سراسر کشور را در بر گرفت. به جرات میتوان گفت که یک سال اول انقلاب توده ای ترین اعتراضات و اعتراضات بر علیه رژیم بر پا شد. اکثر شهرهای بزرگ عملاً بدست مردم افتاد. رژیم اسد که خطر سرنگونی اش را متوجه شده بود، تمام توان نظامی خودش را به همراه حمایتهای جمهوری اسلامی در سرکوب انقلاب مردم به کار گرفت. در یک سال اول انقلاب در تظاهراتها بطور متوسط روزانه ۷۰ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی می شدند. علیرغم این سرکوبها مردم تسلیم نشده و خواهان سرنگونی رژیم بودند. با تشکیل "ارتش آزاد سوریه" جنگ مسلحانه بر علیه رژیم در



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

زنده باد سوسیالیسم!

غالب حسینی عضو کمیته هماهنگی در محل کارش در سنندج دستگیر شد

فعالین کارگری، اطمینان دارد که مردم آزادیخواه سنندج و فعالین و تشکلهای کارگری این شهر برای آزادی این عزیزان تلاش خود را چند برابر خواهند کرد. تجمع اعتراضی مردم تا آزادی کارگران زندانی را باید گسترده تر ادامه داد. خانواده های کارگران زندانی، تشکلهای و فعالین کارگری و مردم سنندج مصمم هستند که تا آزادی بی قید و شرط و فوری شریف ساعد پناه فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران، سید غالب حسینی، بهزاد فرج الهی، وفا قادری، سید خالد حسینی، حامد محمودنژاد و علی آزادی از اعضای کمیته هماهنگی و دیگر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از چنگال جنایتکاران اسلامی از پای ننشینند و تا آزادی فوری و بی قید و شرط این عزیزان از چنگال جنایتکاران اسلامی به تجمع اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ اسفند ۹۱
۱۹ مارس ۲۰۱۳

بنا به خبری که از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر شده است روز سه شنبه ۲۹ اسفند ساعت ۱۲ ظهر سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی در شهر سنندج، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شد. بنا به این خبر غالب حسینی در آستانه ۸ مارس و همچنین بعد از دستگیری ۶ فعال کارگری در ۱۷ اسفند چندین بار تلفنی توسط نیروهای امنیتی تهدید شده بود و نیروهای اطلاعات از وی خواسته بودند که خود را به ستاد خبری معرفی کند. همچنین در پی عدم پاسخگویی نیروهای اطلاعاتی به خانواده های فعالین کارگری بازداشتی، خانواده ها اعلام کرده اند که سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری شهر سنندج برپا خواهند کرد و بدینگونه در زمان تحویل سال در کنار عزیزانشان خواهند بود.

کمیته کردستان حزب ضمن محکوم کردن سیاست تعقیب و بازداشت غالب حسینی و دیگر

ادامه تجمع خانواده های کارگران بازداشتی سنندج در مقابل استانداری کردستان

زندانی، تشکلهای و فعالین کارگری و مردم سنندج را فرامیخواند که تا آزادی همه عزیزان در بند به تجمع اعتراضی خود ادامه دهند. باید در مقابل این تعرض رژیم اسلامی به فعالین کارگری ایستاد. نباید اجازه داد که سرکوبگران عزیزان ما را در بازداشت و زندان نگهدارند. باید خانواده ها، همکاران و مردم معترض شهر را خبر کرد و در مقابل بازداشتگاهها و بیدادگاه های رژیم دست به تجمعات اعتراضی پی در پی و هرروزه زد تا رژیم را وادار به آزادی دستگیرشدگان کرد. شریف ساعد پناه، وفا قادری، سید خالد حسینی، علی آزادی، بهزاد فرج الهی، حامد محمودنژاد و دیگر کارگران زندانی باید فوراً و بی قید و شرط همراه با دیگر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ اسفند ۱۳۹۱
۱۷ مارس ۲۰۱۳

دریند اعلام کرد و خواهان آزادی فوری آنان شد. در این ملاقات معاون استاندار با تاکید بر این نکته تکراری که حتما پرونده های کارگران بازداشتی تکمیل نشده است تا آزاد بشوند خواهان صبر و حوصله خانواده های کارگران بازداشتی شد اما با اعتراض مجدد شهلا دل بینا مواجه گردید. در ادامه این ملاقات به شهلا دل بینا اعلام شد از آنجا که استاندار در محل استانداری نیست فردا صبح جهت پیگیری خواست هایشان به استانداری مراجعه کنند.

خانواده های کارگران بازداشتی در سنندج اعلام کرده اند تا زمان آزادی عزیزان خود که بدون ارتکاب هیچ جرمی به زندان افکنده شده اند همچنان به تجمعات اعتراضی خود در مقابل اداره اطلاعات و دیگر نهادهای دولتی ادامه خواهند داد. کمیته کردستان حزب بر ادامه این تجمعات اعتراضی تاکید میکند و خانواده های کارگران

در اطلاعیه روز شنبه ۲۶ اسفند خبر تجمع خانواده های کارگران بازداشتی در مقابل اداره اطلاعات را به اطلاع رساندیم. بنا به خبری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است روز یکشنبه ۲۷ اسفند نیز همچون روزهای دیگر به این خانواده ها جواب روشنی داده نشد و آنان بنا بر تصمیم قبلی بصورت راهپیمایی به سمت استانداری کردستان حرکت کردند و با دست زدن به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری خواهان آزادی عزیزانشان شدند. بدنبال این تجمع اعتراضی مسئولین استانداری کردستان از تجمع کنندگان خواستند تا یک نفر از میان خود را به نمایندگی از سوی بقیه تجمع کنندگان جهت ملاقات با یکی از معاونین استاندار به داخل استانداری بفرستند و در ادامه شهلا دل بینا همسر شریف ساعد پناه به نمایندگی از سوی تجمع کنندگان طی ملاقاتی با یکی از معاونین استاندار اعتراض خود را نسبت به تداوم بازداشت کارگران

کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال برگزار میکند

سخنرانی حمید تقوایی
لیدر حزب کمونیست کارگری

"بحران همه جانبه جمهوری اسلامی و چشم انداز انقلاب در ایران"

شنبه ۳۰ مارس ساعت ۶ بعد از ظهر

در کتابخانه اتواتر

تقاطع سنتکاترین و اتواتر (مترو اتواتر)

1200 Atwater (Metro Atwater)



۲۰ آوریل مارش اعتراض به طرح Reva در استکهلم

اطلاعیه شماره ۴

اخیرا بنا به طرحی موسوم به Reva که از جانب دولت و پلیس سوئد اتخاذ شده است موج جدیدی از حمله به پناهجویان در ابعادی بی سابقه شروع شده است. پلیس سوئد برای دستگیری پناهجویان بدون مدرک شروع به شکار آنها در متروها، داخل قطارها و در اماکن عمومی کرده و حتی برای دستگیری آنها شروع به حمله به مراکز درمانی کرده است. این اقدامات ترس و وحشت زیادی را در میان متقاضیان پناهندگی و مهاجرین دامن زده است. مردم انساندوست سوئد و سازمانهای پناهندگی نیز علیه این طرح بلافاصله دست به عکس العمل زده و به مقابله با آن برخاسته اند. تنها در یک هفته گذشته چندین تظاهرات با حضور هزاران نفر در شهرهای استکهلم، یوتبوری، اپسالا و مالمو شکل گرفته است. در اعتراض به این تهاجم همه جانبه علیه پناهجویان، فدراسیون در هماهنگی با سایر سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی روز ۲۰ آوریل در شهر استکهلم در تدارک برگزاری یک تظاهرات بزرگ است. دولت سوئد برای طرح شکار و اخراج پناهجویان تا کنون میلیونها کرون پول هزینه کرده است. این حملات نه فقط نافی حقوق اولیه انسانی پناهندگان بلکه نقض آشکار تمام ارزشها و معیارهای انسانی است که دستاورد مبارزاتی کارگران و مردم سوئد بوده است. از این نظر اعتراض به Reva اعتراض به یک تهاجم دست راستی علیه کل

این ارزشها است. جامعه سوئد اعم از سازمانهای کارگری و احزاب و سازمانهای رادیکال، مردم شریف و آزادیخواه و کلیه پناهجویان باید یکپارچه در مقابل این تهاجم دست راستی قد علم کنند و آنرا تماما به شکست بکشانند. خواست اصلی این تظاهرات متوقف شدن طرح Reva در همه اشکال آن است. اگر چه بدلیل اعتراضات گسترده در هفته های اخیر پلیس سوئد مقداری عقب نشسته و به شکار راسیستی پناهجویان در متروها پایان داده است ولی این طرح در اشکال دیگری در جریان است و شرایط غیرقابل تحملی برای هزاران پناهنده و مهاجر بوجود آورده است. اعتراض قدرتمند روزهای گذشته نشان داد که میتوانیم این طرح را به شکست کامل بکشانیم. دولت و پلیس سوئد از این کار زشت و غیر انسانی باید عقب نشینی کنند و نه تنها از پناهجویان که از کلیه مردم این کشور معذرت خواهی کنند.

- حملات شرم آور به مراکز درمانی و مدارس و مناطق مسکونی برای دستگیری و بازداشت پناهدگان باید فوراً و بلادرنگ متوقف شود.

- پلیس نباید برای بازداشت کودکان پناهجویان مخفی وارد مدارس شود.

- پناهجویانی که بدلیل ترس از زندان و شکنجه و اعدام و جنگ و خانه خرابی و ناامنی اجتماعی، ناچار به فرار و ترک محل زندگی خود شده و به سوئد پناه آورده اند نباید بازگردانده شوند. حکم اخراج

آنها باید فوراً متوقف شود.

- ما خواستار رسیدگی مجدد به تقاضای پناهندگی کلیه کسانی هستیم که پرونده شان بسته شده است. این پناهجویان سالها رنج و انتظار کشیده اند و باید به آنها اجازه اقامت داده شود.

- قطع کمک هزینه پناهجویانی که پرونده هایشان بسته می شود اقدامی شدیداً غیر انسانی است و باید به آن پایان داد.

- کمک هزینه پناهجویان در طول ۲۰ سال گذشته هیچ تغییری نکرده است. این کمک هزینه ها باید افزایش یابد.

فدراسیون سراسری پناهدگان ایرانی از همگان دعوت می کند که در این مارش انسانی وسیعاً شرکت کنند. فدراسیون بویژه از همه پناهجویان در شهرها و کمپ های مختلف سوئد می خواهد از همین امروز دست به کار شوند. پناهجویان اطرافتان را خبر کنید، نیروی همه آنها را از هر کشوری که آمده اند جمع کنید تا به کمک هم این حرکت بزرگ را سازمان بدهیم.

استکهلم، ۲۰ آوریل از ساعت ۲ بعدازظهر تجمع در Sergels torg ساعت ۳ بعدازظهر

حرکت بطرف پارلمان سوئد همبستگی، فدراسیون سراسری پناهدگان ایرانی - واحد سوئد ۱۷ مارس ۲۰۱۳

تلفنهای تماس: ۰۷۰۶۷۲۰۵۵۵ اندیشه علی شاهی ۰۷۳۷۱۷۸۸۱۹ عبدالله اسدی

به نظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم می نامد، دارد به توحش خودش اعتراف می کند.

واقعیت این است که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری بشریت ضرورت و امکان پذیري يك نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسایل تولید دارایی مشترک همه مردم باشد. جامعه ای بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتها است که مقدور است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

مارکسیسم و جهان امروز
منصور حکمت در مصاحبه با انترناسیونال
اسفند ۱۳۷۰

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

جان محمد جراحی در خطر است

اطلاعیه شماره ۹۰



محمد جراحی فعال کارگری و عضو کمیته پی گیری که در خرداد

ماه سال پیش به همراه شاهرخ زمانی دستگیر و به ۵ سال حبس محکوم گردید، اکنون دومین سال محکومیت خود را می گذراند. روز شنبه ۲۸ بهمن ماه بعد از درد فراوان محمد جراحی با دستبند و پابند به بیمارستان امام رضا در شهر تبریز منتقل و تحت عمل جراحی قرار گرفت. جانین اسلامی حتی در همان موقعی هم که او در بیمارستان بستری بود به کلیه پرسنل آنجا تاکید کرده بودند که وی ممنوع ملاقات است و بالاخره

با اسرار خانواده اش به مدت چند دقیقه به آنها اجازه دیدار حضوری کوتاهی داده شد.

اکنون بعد از یکماه متاسفانه نتیجه نمونه برداری نشان میدهد که محمد جراحی به سرطان تیروئید مبتلاست و طبق نظر پزشکان میبایست هر چه زودتر تحت معالجه درمانی قرار گیرد. اما جانین اسلامی در این رابطه اقدامی نکرده و خانواده وی در راهروهای اداره زندانها و دادگاه

سرگردان و نگران حال عزیز خود هستند.

محمد جراحی جانش در خطر است و باید فوراً از زندان آزاد و تحت معالجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی در قبال وضعیت جسمانی و جانی وی مسئول است. به نجات جان محمد جراحی بشتابیم و همراه با خانواده وی فشار بیابیم که او هر چه زود تر آزاد و تحت معالجه پزشکی قرار گیرد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهرلا دانشفر
Shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش

Bahram.Soroush@gmail.com

http://free-them-now.blogspot.com

۱ فروردین ۹۲

۲۱ مارس ۲۰۱۳

دستگیری ۷ فعال کارگری ظرف دوازده روز در سندج

غالب حسینی یکی دیگر از فعالین کارگری دستگیر شد

اطلاعیه شماره ۹۱

روز ۲۹ اسفند ساعت ۱۲ ظهر غالب حسینی یکی دیگر از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شهر سندج در محل کار خود دستگیر گردید. غالب در ۸ مارس و بعد از دستگیری ۵ نفر دیگر از اعضای این کمیته به اسامی بهزاد فرج الهی، وفا قادری، سید خالد حسینی، حامد محمودنژاد و علی آزادی در ۱۷ اسفند چندین بار مورد تهدید نیروهای امنیتی رژیم اسلامی قرار گرفت و از وی خواسته شده بود که خود را معرفی کند. بعلاوه شریف ساعد پناه یکی دیگر از فعالین کارگری در شهر سندج و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار امضا با خواست افزایش دستمزدها نیز در

۲۰ اسفند دستگیر شده است. بدین ترتیب در فاصله دوازده روز ۷ نفر از رهبران و کارگری در شهر سندج دستگیر شده اند. در این مدت خانواده های کارگران زندانی مرتباً تجمع اعتراضی برپا کرده و خواهان آزادی عزیزانشان از زندان شده اند. آنها همچنین طی اطلاعیه ای از کارگران و مردم زحمتکش و تشکلهای کارگری و نهادهای مردمی و به خصوص مردم شهر سندج خواسته اند که به هر شکلی که میتوانند آنها را در جهت آزادی عزیزانشان یاری رسانند. در ادامه همین تجمعات روز دوشنبه ۲۸ اسفند جمع کثیری از خانواده های کارگران دستگیر شده در شهر سندج طبق روال روزهای گذشته در مقابل اداره اطلاعات این شهر جمع شدند. سپس شهرلا دل بینا همسر شریف ساعد پناه که روز گذشته از طرف خانواده ها به

نماینده انتخاب شده بود و به وی وعده ملاقات با استاندار را داده بودند به استانداری مراجعه کرد. اما متاسفانه از طرف معاون استاندار با پاسخ هایی همچون "استاندار اینجا نیست و این پرونده باید مراحل قانونی را طی کند" روبرو شد. تجمع این روز خانواده ها تا ساعت ۱ عصر ادامه یافت. در پی عدم پاسخگویی نیروهای اطلاعاتی به خانواده های فعالین کارگری بازداشتی، آنها اعلام کردند که سفره ی هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری شهر سندج برپا خواهند کرد و بدینگونه در زمان تحویل سال در کنار عزیزانشان خواهند بود. در نتیجه روز ۳۰ اسفند ماه آنها در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات در این شهر تجمع کردند. اما نیروهای امنیتی حاضر در محل با حمله به تجمع خانواده ها از برگزاری مراسم سال تحویل

ممانعت به عمل آوردند و سفره هفت سین آنان را جمع کردند. خانواده ها اعلام کرده اند که تا آزادی عزیزانشان به تجمعات خود ادامه خواهند داد. وسیعاً به تجمعات خانواده ها در شهر سندج پیویدیم و خواهان آزادی فوری کارگران دستگیر شده و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شویم. کمپین برای آزادی کارگران

زندانی

شهرلا دانشفر
Shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش

Bahram.Soroush@gmail.com

http://free-them-now.blogspot.com

۱ فروردین ۹۲، ۲۱ مارس

۲۰۱۳

کتاب سرمایه (کاپیتال) مارکس
ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا
بانک یزدی (کانادا-آمریکا) : تلفن: ۷۵۹ ۳۳۹۶-۱-۴۱۶-۱-۴۱۶
۷۱۳۸ ۴۱۶-۱-۴۱۶
ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

وزی اصلی (غرب کانادا - ونکوور) تلفن: ۷۲۷ ۸۹۸۶-۱-۶۰۴
zariast@yahoo.ca
ایمیل: در اروپا یا

انتشارات نسیم: تلفن: ۳۹۱۷۰ ۷۳۳۹-۱-۴۶-۰۴۶
nasim_info@yahoo.se
ایمیل: جلیل جلیلی (انگلستان): تلفن: ۲۴۴۲۲ ۷۹۵۰۹۲۴۴-۰۴۴-۰۴۴
jaliljilili@yahoo.com
ایمیل: مهین کوشا (آلمان): تلفن: ۲۵۰۵۶۹-۱۷۳۳۲۵۰-۰۴۹-۰۴۹
mahinkusha@t-online.de
ایمیل:

کارل مارکس

سرمایه

(کاپیتال)
تخلی فوری
فولک کاپیتالیستی

محل اول
ترجمه جمشید هادیان

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

گزارشی از جشن نهاد کودکان مقدمند شهر استکهلم

مقدمند استکهلم از میهمانان و برگزار کردند اهدا کرد. نهاد کودکان مقدمند شهر استکهلم، آرزوی دنیای شاد، ایمن و آسایش را برای شما عزیزان خواهان است
مارس ۲۰۱۳ استکهلم
ودا ایلکا



عروسکهای بسیار زیبا با لباسهای خیلی خوشرنگ در جشن همراه بچه ها بودند و به جشن ما رونق زیادی دادند.

و پی پی لونگستروم ما نیز لوتو هایش را به بچه ها فروخت و حالا دیگه زمان دادن جایزه ها به کودکان عزیز بود که ۲۷ جایزه شامل کتاب از کتابخانه فردوسی در خیابان دروتینگ گاتان، غذا از رستوران زعفران در شیستا گالرین، شیرینی از شیرینی سرای یاس واقع در سنتروم هوسی و همچنین جایزه بازی و سرگرمی از فروشگاه کاسپین در شیستا بود که بسیار جایزه های خوب و جالبی بودند.

این جایزه ها بیشتر و بیشتر بچه ها رو خوشحال کرد که جنب و جوش داشته باشند، برقصند و شادی کنند ولی هر چی باشه عید بود و عمو نوروز، عمو نوروزی که همه ساله کادو و جایزه های بسیار خوبی برای بچه ها داره، بنابر این عمو نوروز پیر و خنیده با عصای دو کیسه بزرگ پر از کادو برای بچه ها آمد، بچه هایی که یکسال تمام

منتظر عمو نوروز مهربون و کادوهاش بودند همه دست میزدند. در سالن قول قوله ای بود و عمو نوروز که با چهره ای شاد و خندان ولی با صدای که غبار پیبری را می توانستیم در صدایش حس کنیم با خوشحالی هر چه بیشتر با بچه ها خوش و بش کرد و شروع به دادن کادوهای بچه ها شد. عجب لحظاتی بود، لحظاتی که بچه ها با انرژی هر چه بیشتر میرقصیدند و شادی میکردند و عکس و فیلم یادگاری از لحظات تشنگشون با عمو نوروز مهربون میگرفتند، عمو نوروز سالخورده ما بعد از دادن کادو ها به بچه ها شاد و خندان خداحافظی کرد و محل جشن را ترک کرد.

کم کم به پایان جشن میرسیدیم که مسئول نهاد کودکان جشن ما با موسیقی از جمله موسیقی، رقص، نمایش عروسکی، خواندن شعر و آواز بزبان فارسی و انگلیسی از هنرمندان خوش صدا، مسابقات مختلفی چون مسابقه طناب، فاشق و گردو و مسابقه صندلی انجام گردید. برگزاری سفره هفت سین، نقاشی روی صورت کودکان نیز توسط همکاران ما انجام شد.

جشن با موسیقی شاد و دلنشینی شروع شد که با همکاری مجریان قابل ویر انرژی پیش برده شد. در حین شادی و خوشحالی در جشن از کودکان عزیز با چیپس، گودیس، آبمیوه و شیرینی و از والدین عزیز هم با چای، قهوه و شیرینی پذیرایی شد.



این جشن با شکوه با عظمت خاصی برگزار شد که تعداد قابل ملاحظه ای از کودکان و والدینشان از این جشن استقبال کردند و شرکت کردند. جشن به زبانهای فارسی و سویدی برگزار شد که با برنامه

های مختلفی از جمله موسیقی، رقص، نمایش عروسکی، خواندن شعر و آواز بزبان فارسی و انگلیسی از هنرمندان خوش صدا، مسابقات مختلفی چون مسابقه طناب، فاشق و گردو و مسابقه صندلی انجام گردید. برگزاری سفره هفت سین، نقاشی روی صورت کودکان نیز توسط همکاران ما انجام شد.

جشن با موسیقی شاد و دلنشینی شروع شد که با همکاری مجریان قابل ویر انرژی پیش برده شد. در حین شادی و خوشحالی در جشن از کودکان عزیز با چیپس، گودیس، آبمیوه و شیرینی و از والدین عزیز هم با چای، قهوه و شیرینی پذیرایی شد.

پی پی لونگستروم عزیز ما نیز شروع به جنب و جوش کرد و در این فکر بود که چطور بتواند سکه هایش را به بچه ها بدهد و با هاشون دوست بشود که در این حین هنرمندان شروع به خواندن شعر و موزیکهای مختلف و دلنشینی کردند ولی در این میان رابین هود مهربون همراه بچه ها و دوست خوبی برای آنان بود.

در بین برنامه های بسیار دیدنی و سرشار از عشق و شادی،

نهاد کودکان مقدمند شهر استکهلم به مناسبت سال نو، جشن با شکوهی برای کودکان در روز شنبه ۱۶ مارس از ساعت ۱۴ الی ۱۷ در هوسی ترف واقع در سنتروم هوسی در شمال شهر استکهلم برگزار کرد. برپایی این جشن با شکوه، یکی از مجموعه کارها و فعالیتهای نهاد کودکان مقدمند می باشد.

کودکان یکی از مهمترین قشرهای جامعه می باشند که اهمیت به سزایی دارند و یکی از فعالیتهای نهاد کودکان مقدمند، مقدم شمردن کودکان و حقوق انسانی آنها میباشد. که این نهاد در تلاش و شکوفاییش میباشد، چونکه معمولاً با فرا رسیدن سال نو و یا مراسمهای مهم دیگر برگزاری جشنها و شادیهایی برای بزرگسالان است، ولی نهاد کودکان مقدمند این سنت را میشکنند و در این مراسم و مناسبتها جشنها را فقط مخصوص بزرگسالان نمی داند بلکه کودکان این گلهای زیبای را احترام میگذارد و بمناسبت هر عید نوروز جشن با شکوهی برای این عزیزان میگیرد که جشن ۱۶ مارس نیز یکی از این جشنها بود. این جشن با همکاری فعالین نهاد کودکان مقدمند، دوستان و علاقه مندان این نهاد در شهر استکهلم با تبلیغات رادیویی، فیس بوک، سایتهای مختلف و پخش آفیشها در محلات شلوغ شهر انجام شد.

شادی و رقص جوانان در چهارشنبه سوری، جوانان آپارتاید جنسی را در هم شکستند و اوباش حکومت را فراری دادند

گزارشاتی به حزب کمونیست کارگری از چهارشنبه سوری در ایران

تهران

در یکی از نقاط تهران یک بسیجی که قصد داشت جلو برگزاری چهارشنبه سوری را بگیرد توسط جوانان گوشمالی داده شد. او برای ترساندن مردم شروع به گرفتن عکس کرد. مردم چندین بار به وی هشدار دادند. سرانجام وقتی او به کارش ادامه داد، دختر و پسر دسته جمعی به او حمله کردند و او را حسابی گوشمالی دادند.

خیابان سهروردی و سعادت آباد:

دختر و پسر در پارکینک ها و کوچه ها با صدای موزیک رقص و شادی راه انداخته بودند و صدای ترقه و نارنجک بلند بود.

فرحزاد:

در خیابان گلستان مردم زن و مرد در حالیکه میخواندند آی بوته بوته روی آتش می پریسندند.

در نارمک، خوش، قصردهشت و قیطریه، سطل آشفالها را جوانان آتش میزدند و با پرتا نارنجکهای دستی بسیار پر صدا شادی میکردند.

سعادت آباد:

در یکی از خیابان های سعادت آباد جوانها شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند و با بسیجی ها درگیر شدند و آنها را فراری دادند.

ایران زمین:

در خیابان ایران زمین در شهرک غرب جوانان با مامورین گشتی درگیر شدند.

بلوار کشاورز و گیشا:

در این منطقه جمعیت زیادی مشغول شادی بودند و صدای ترقه بلند بود.

پارک قیطریه:

شلوغ بود و جوانان با گشتی ها درگیر شدند. صدای ترقه و نارنجک

بلند بود.

اکباتان: در اکباتان فاز ۱ و ۲ شلوغ بود. دختر و پسر با برپا کردن آتش و جشن و شادی چهارشنبه سوری شادی برپا کردند.

رودکی:

ساعت ۶ عصر در غرب تهران در رودکی و نواب مردم زیادی به خیابان آمده و با خواندن ما همه با هم هستیم چهارشنبه سوری را جشن گرفتند.

بزرگراه رسالت: در این منطقه جمعیت زیادی بیرون آمده بودند. جوانان به سمت بانک صادرات نارنجک زدند.

مجیدیه شمالی:

در این منطقه دختر و پسر با پخش موزیک جشن چهارشنبه سوری بر پا کردند. همه جا صدای ترقه و نارنجک بود. جوانان به شعبه بانک صادرات در این محل نارنجک پرتاب میکردند.

تهران پارس: در تهران پارس از ساعت دو عصر صدای ترقه در همه جا پخش بود و جوانان دختر و پسر با برافروختن آتش مشغول رقص و شادی بودند.

مجیدیه و وحیدیه:

در مجیدیه و وحیدیه مردم زیادی بیروی بودند و مثل جاهای دیگر رقص و شادی دختران را شاهد بودیم. نیروهای گشتی جرات نزدیک شدن نداشتند.

شهرک محلاتی:

حضور گشت انتظامی در شهرک محلاتی در منطقه ۴ تهران زیاد بود. جوانان با نارنجک دستی آنها را دور میکردند و رقص و شادی میکردند. و بالاخره گشتی ها را از محل بیرون کردند. نیروی امنیتی زیادی در تهران مستقر بود. در خیلی جاها شعارهای مرگ بر دیکتاتور و علیه رژیم داده شد.

کرمانشاه

یکی از بیننده های کانال جدید خبر داد که جوانان این شهر گشتی های رژیم را فراری میدادند. طبق این گزارش مردم وسیعا بیرون بودند و شادی میکردند.

خوزستان

از خوزستان نیز یکی از بینندگان کانال جدید خبر داد که در شهر ... مردم وسیعا بیرون بودند، شادی میکردند و گشتی ها را همه جا فراری دادند.

رشت

در شهر رشت در خیابان علم الهدی آنقدر آتش بازی زیاد بود و ترقه و نارنجک میزدند که اتوموبیل ها امکان حرکت نداشتند. دختر و پسر بسیاری در خیابان بودند و صدای موزیک بلند از ماشینها شنیده میشد. در شهرهای مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز، همدان، قم، ساوه و بسیاری شهرهای دیگر نیز مانند تهران، بساط چهارشنبه سوری و جشن و شادی و رقص مشترک دختر و پسر برپا بود. جوانان دختر و پسر مرزهای آپارتاید جنسی را همه جا در هم شکستند و در بسیاری نقاط سرکوبگران را فراری دادند.

۳۰ اسفند ۱۳۹۱

۲۰ مارس ۲۰۱۳

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!